



سخنرانی در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، قضات و مسؤولان دادگستری و مردم لرستان - 7 تیر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلا به هم‌ه‌ی شما برادران بزرگوار در شوراي عالي قضايي و قضات محترم و کارمندان دستگاه قضايي کشور و خانواده‌هاي عزيز شهدي عالي قدر هفتم تير - که یادگارهاي ارزنده‌ي يکي از مقاطع مهم انقلاب هستند - و علما و ائمه‌ي جمعه‌ي محترم استان لرستان و شما اقشار مؤمن و مخلص و غيور آن استان، مصيبت جانگداز رحلت امام عزيز و بزرگوار را تسليت عرض مي‌کنم. ان شاء الله خداوند سنگيني بار اين مصيبت را که بر دوش ملت ايران است، مایه‌ي اجر و ثواب و رحمت خود قرار بدهد و به هم‌ه‌ي آنان قدرت صبر و استقامت در راه آن قائد و رهبر عظيم الشان عنایت کند.

مسأله‌ي هفتم تير، حادثه‌ي فراموش‌نشدي در تاريخ انقلاب ماست و هنوز هم در دنياي سياست و در سطح جهان، هفتم تير قابل طرح و احتجاج است. در ماجرای هفتم تير، دو گروه رسوا شدند:

گروه اول کسانی بودند که ادعا می‌کردند طرفدار مردم و خلق و انقلابند. آنها پرده‌ي غليظي از ریا و دروغ و خدعه بر کار خودشان کشیده بودند. حادثه‌ي هفتم تير، اين پرده را دريد و آنها را افشا کرد. گروهکها بعد از اين واقعه خيلي هم تبليغات کردند، اما ملت ايران تحت تأثير آن حادثه و حوادث مشابه آن که بعدا اتفاق افتاد - اگرچه به آن عظمت نبود - چهره‌ي منافقين و گروهکهاي مدعي را شناخت؛ معلوم شد اينها ضد هم‌ه‌ي ارزشهاي انساني هستند و از آدمکشي در ابعاد وسيع آن ابايي ندارند و به خاطر تحقق هدفها و مقاصد شوم خود، حاضرند با انقلاب بزرگ اسلامي - که در حساسترين لحظات عمر خود، درگير جنگ همه‌جانبه شده بود - مبارزه کنند و در چنين شرايطي دست به جنایتي بزرگ بزنند و ملت ايران را داغدار کنند.

گروه دوم، قدرتهای جهانی مدعی حقوق بشر و ضدیت با تروریسم بودند. البته باز هم سردمداران سياستهاي جهاني، با وقاحت و گستاخي همين شعارها را مي‌دهند و هنوز هم سردمداران رژيم امريکا و بسياري از کشورهاي اروپايي ادعا مي‌کنند که با تروريسم مخالفند! ليکن مسأله‌ي تبليغات و هياهو و جنجال يك مسأله است، و واقعيتهايي که براي مردم آگاه و بصير در سطح عالم روشن مي‌شود، مسأله‌ي ديگري است.

کاملا واضح است که وقتي دولتي مثل امريکا يا بعضي از کشورهاي اروپايي، از گروهکهاي تروريستي که دستشان به خون آحاد ملت آغشته است، حمايت مي‌کنند و آنها را در کشورهاي خود راه مي‌دهند و پناهنده‌ي سياسي قلمداد مي‌کنند، نمي‌توانند در ادعای مبارزه با تروریسم صادق باشند. اينها مروج تروریسم هستند و تروریستها را براي تحقق مقاصد شوم خود، در دامان خویش تربيت مي‌کنند.

کيست که نداند بسياري از گروهکهاي داخل ايران - حتي آنهایی که صبغهي چپ داشتند - از منابع مالي دولتهای غربي و امريکا تغذيه مي‌شدند و هنوز هم مي‌شوند؟! ملت ايران، اين ادعاهای دروغين را شناخت. ديرباورترين افراد هم فهميدند که دولت امريکا و بسياري از کشورهاي اروپايي و جوامع به اصطلاح متمدن طرفدار حقوق بشر، کمترین خبري از حقوق بشر ندارند و کوچکترین دفاعي از آنها نمي‌کنند!

کسانی که در حادثه‌ي هفتم تير و ديگر حوادث انقلاب به شهادت رسيدند و خونشان ريخته شد، نفوس زکيه‌يي از افراد بشر و انسانهاي ممتاز جامعه بودند. در بين اينها، علما و دانشمندان و مبارزان قديمي و توده‌هاي مردم و انسانهاي فداکار و کسانی که براي ملت و کشور و آرمان و انقلابشان فداکاري مي‌کردند، وجود داشتند. کشتن آنها طبق کدام ميزان از موازين مجاز است، و چه کسی مي‌تواند کشندگان آنها را تروريست نداند و جنایتکار نخواند و



محکوم نکند؟ این، يك حقيقت روشن است.

ما به ادعاهای طرفداري از حقوق بشر، که امروز از طرف دولتها و سازمانهای وابسته به ابرقدرتها در دنيا اعلام می‌شود، کوچکترین اعتقادی نداریم. ما اینها را فریب و خدعه و دروغ می‌دانیم. ما معتقدیم تروریسم در دامان رژیم امریکا و بسیاری از حکومتهای غربی و قدرتهای زورگوي جهانی پرورش می‌یابد و رشد می‌کند.

ملتی که به هیچ قدرتی از قدرتهای عالم وابسته نیست و از حقوق خود و مرزهایش دفاع می‌کند و دم از استقلال می‌زند و به اعتراف همهی دنيا می‌خواهد بر سرنوشت خود مسلط باشد، با چه مجوزی يك عده از افراد خرابکار حق داشته باشند انسانهای بارز و دانشمند و انقلابی این کشور را با چنین وضعیتی خون‌آشامانه‌ی ترور کنند و به شهادت رسانند و بعد هم دولتهای غربی بدون هیچ شرم و ملاحظه‌ی، اسم اینها را به عنوان يك سازمان بیاورند و در کشورشان راه بدهند و نشریات اینها را منتشر کنند؟!

اجتماعاتی مثل "پارلمان اروپا" و دیگر جاها که تغذیه‌ی پولی و سیاسی اینها را در سطح جهان برعهده دارند، خود را در تاریخ و در چشم انسانهای منصف و آگاه این روزگار محکوم کردند و لکه‌ی ننگی برای خویش باقی گذاشتند. این از برکات خون پاک شهدای عزیزی است که در فاجعه‌ی هفتم تیر به شهادت رسیدند. حقیقتاً شهادت آنها مظلومانه بود و خون پاکشان دامن جانیها و قاتلها و گروهکهای وابسته را گرفت.

به مناسبت حضور آقایان محترم دستگاه قضایی، چند جمله‌ی را هم درباره‌ی قوه‌ی قضاییه متذکر می‌شوم: شکی نیست که قوه‌ی قضاییه در جمهوری اسلامی ایران، مثل دیگر ارگانها و دستگاههای این نظام، از تلاش مخلصانه و دلسوزانه و عظیم و بارز بر خردار است. در طول این چند سال، قضات دادگاهها و دادرها و دستگاههای عالی قضایی و دست‌اندرکاران امور اداری و همهی عناصر قوه‌ی قضاییه، با الهام از احکام اسلامی تلاش کردند و زحمت کشیدند و حقا و انصافاً زحمت مأجوری را متقبل شدند، که همهی آنها مغتنم است. در تمام دنيا، قوه‌ی قضاییه، ملاک و معیار سلامت جامعه است. اگر قوه‌ی قضاییه‌ی سالم و دقیق و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی وجود داشته باشد، به مرور تمام دستگاههای کشور و جامعه‌ی اسلامی اصلاح خواهند شد. ممکن نیست که کشوری به سلامت کامل اجتماعی برسد، مگر آن که دستگاه قضایی سالم و بی‌عیبی به وجود آید. اگر دستگاه قضایی سالم نباشد، دستگاههای دیگر هم بتدریج به فساد خواهند گرایید. به همین دلیل، اسلام نسبت به قضا و قضاوت و قاضی و محکمه و مقدمات کار و ابزار کار قضایی، حداکثر اهتمام را ورزیده است و شاید در تعالیم اسلامی، چیزی به اندازه‌ی عدالت در قضا مورد تأکید واقع نشده باشد.

دستگاه قضایی ما در حقیقت دستگاه جدیدی است؛ زیرا حاکمیت قوانین و مقررات اسلامی، مسایل جدیدی را برای این دستگاه پیش آورده است و همان‌طور که چندین بار از زبان امام عزیزمان هم شنیده شد، برادرانی که در قوه‌ی قضاییه مشغولند، زحمات و تلاشهای فراوانی را کشیده‌اند؛ اما باید در نظام اسلامی، نسبت به رشد و اعتلای روزافزون دستگاه قضایی، همت گماشته شود و در هیچ حدی قانع نبود. حقیقتاً دستگاه قضایی باید ملجأ و مأمن مردم به حساب آید.

در جامعه، کمبود و مشکلات و درگیری و ظلم به افراد و تعرض به اموال و جان و حیثیت اشخاص وجود دارد؛ اما دستگاه قضایی باید به گونه‌ی باشد که هر کس در جامعه مورد ظلم هر مقامی واقع شد، خاطرش آسوده باشد که رسیدگی می‌شود؛ مثل فرزندی که پدر عاقل و مهربان و قوی‌ی دارد و هر کس به او اندک تعرضی کند، دلش محکم است و می‌گوید ظلم تو را به پدرم می‌گویم و او حق من را از تو خواهد گرفت.

بایستی بر تمام آحاد کشور، چنین روحیه‌ی نسبت به دستگاه قضایی حکمفرما باشد. اگر به کسی ظلم شد، بداند که با مراجعه به دستگاه عدل اسلامی، قطعاً آن ظلم برطرف خواهد شد. این يك بعد از ابعاد کار دستگاه قضایی است که مورد انتظار اسلام و همهی مردم است؛ که ان‌شاءالله حرکت دستگاه قضایی، به همان طرف خواهد بود. ما



شاهد هستیم که تلاشهای انجام شده، تلاشهای خوبی است و ان شاء الله دستگاہ قضایی را به سمت ایجاد عدالت اسلامی خواهد برد.

بعد دیگر، حاکمیت احکام و ارزشها و ملاکها و معیارهای اسلامی است، که قویترین و متقنترین و محکمترین ملاک و معیار برای اداره‌ی یک مجموعه‌ی قضایی است. نباید در مقابل جنجال مخالفان و دشمنان و کسانی که هر نقطه‌ی مثبتی هم در جامعه‌ی اسلامی باشد، مورد انتقاد قرار می‌دهند، دچار انفعال بشویم. فرهنگ غربی، شیوه‌ی قضایی اسلامی را قبول ندارد؛ ما هم شیوه‌ی قضایی آنها را قبول نداریم؛ "ولا انتم عابدون ما اعد و لا انا عابد ما عبدتم". آنها حاضر نیستند موازین قضایی مبتنی بر ارزشهای اسلامی را درک کنند و بفهمند. اصلاً فرهنگ غربی اجازه نمی‌دهد که کسی ارزش بینه و قسم و حد و تعزیر و دیگر معیارهای قضایی اسلام را درک کند و بفهمد.

در اسلام، قاضی به جز هیبت قضاوت، هیبت دیگری ندارد، و مسلمانی مثل بقیه‌ی مسلمانهاست؛ روی خاک می‌نشیند، با مردم برادرانه برخورد می‌کند و ترتیب و آداب خاصی برای خود قایل نیست؛ اما در دنیا شکل و آداب دیگری برای قاضی و محکمه و کار قضایی قایلند. ما در مقابل دنیا منفعل نیستیم. ما به معیارهای قضایی متقنی که در اسلام وجود دارد، افتخار می‌کنیم و براساس همان معیارها نیز حرکت می‌کنیم و معتقدیم عدالت در جامعه‌ی اسلامی از طریق قضای اسلامی می‌تواند تأمین شود.

به همه‌ی اقشار مردم ایران توصیه می‌کنم که قدر حیثیت اسلامی و آبروی سرشار انقلاب خود را بدانند و سعی کنند آن را حفظ کنند. اسلام به ملت و کشور ما خیلی عزت و شخصیت داده است. جا دارد که هرچه در توان داریم، از اسلام و نظام اسلامی دفاع کنیم. دنیا ملتی را مثل ملت ایران نمی‌شناسد که این قدر با قاطعیت و قدرت و اعتماد به نفس، در مقابل زورگوییهای قدرتهای مستکبر جهانی ایستاده باشد و از کسی هم واهمه نداشته باشد. روحیه‌ی ایستادگی و مقاومت در شما مردم و وفاداری نسبت به امام عزیز و بزرگوارمان - که مظهر ایستادگی و مقاومت انقلابی ملت ما بود - و عزتی که از طریق همین ایستادگیها و مقاومتها در دنیا و در چشم ملتها به وجود آمده، موارد نادری است که برای یک ملت به آسانی پیش نمی‌آید.

بحمدالله از اول انقلاب تا امروز، علی‌رغم برخورد با مشکلات فراوان، ملت ما راه مستقیم را - که راه حاکمیت اسلام و عمل به احکام اسلامی است - طی کرده و مشکلات زیاد و گذرگاههای سختی را پشت سر گذاشته است. ما دشمنان زیادی را نسبت به خودمان مأیوس کرده‌ایم و امید آنها را از این که بتوانند در حرکت و هدفهای ما اثری بگذارند، قطع کرده‌ایم.

آینده‌ی بسیار روشنی پیش روی ماست، که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ی که ملت ایران خواهد توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد، و هم به استقلال کامل دست یابد. از روز اول پیروزی انقلاب، ما به سمت این آینده حرکت کرده‌ایم و به اعتقاد من، قسمت‌های سخت‌ترش را پشت سر گذاشته‌ایم. نمی‌گویم بدون تحمل زحمت می‌شود به آن آینده رسید؛ اما می‌گویم با حفظ وحدت و ایمان و انگیزه و ادامه‌ی حرکت، می‌توان به آن دست یافت. عمده این است که ما یاد و راه و هدفهای امام (ره) را همیشه در خاطر داشته باشیم و آنها را حفظ کنیم.

باید وحدت و صمیمیتی را که بحمدالله امروز بر سرتاسر کشور ما حاکم است، با جدیت حفظ کنیم و از مخدوش شدن آن جلوگیری کنیم و در تمام صحنه‌های انقلاب حاضر باشیم؛ همچنان که تاکنون ملت ما در همه‌ی صحنه‌های انقلاب حاضر بوده است.

البته دشمن تبلیغات و دروغ‌پراکنی و شایعه‌پردازی می‌کند و سعی دارد که دلها را نسبت به آینده ناامید کند. دشمن تبلیغ می‌کند تا مردم را از ادامه‌ی حرکت باز دارد. از دشمن، جز این انتظاری نیست. آنها سعی می‌کنند



وحدت را مخدوش کنند و مشکلات را عمده نمایند. وجود مشکلات برای جامعه و نظامی که جوان و تازه کار است، یک امر طبیعی است. جوان بودن سختی‌هایی دارد؛ اما امتیازات زیادی هم به همراه دارد. ما یک نظام جوان هستیم که از تجربیات گذشته برخورداریم. باید آینده را بسازیم. باید همه دست به دست یکدیگر بدهیم و مشکلات را تحمل کنیم، تا آینده خوب ساخته شود. با تحمل مشکلات است که می‌شود از این معبر عبور کرد. هرگز ارتباط و پیوند مستحکم خود با خدا را فراموش نکنیم. از خدای متعال کمک بخواهیم و تفضل او را طلب کنیم و مطمئن باشیم که خدای متعال به ما کمک خواهد کرد.

امیدوارم پروردگار متعال به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که از راه‌هایی دور تشریف آوردید و آقایان محترم قوه‌ی قضاییه و مسؤولان محترم این قوه که حقیقتاً زحمات ارزشمندی برای اصلاح و تکمیل قوه‌ی قضاییه کشیدند، مخصوصاً جناب آقای اردبیلی که شخصیت بارزی هستند و سال‌های متمادی زحمات قوه‌ی قضاییه را بردوش دارند، توفیق دهد و لطف و فضل و رحمت خودش را شامل حالتان کند و ان شاء الله به همه‌ی ما کمک کند، تا بتوانیم با تحمل زحمات انقلاب، این بار بارزش را به سر منزل مقصود برسانیم.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته